

معرفی نامهٔ دوّم پولُس رسول به قُرنتیان

معلمّان و واعظانی دروغین به کلیسای قُرنتُس رسوخ کرده بودند که در صداقت پولُس و اقتدار رسالت او تردید کرده، اتهاماتی به او می‌زدند. پولُس در این رساله به دفاع از خود می‌پردازد. او اشتیاق عمیق خود را به حفظ دوستی نشان می‌دهد و شادی خود را از برقراری آشتی بیان می‌دارد.

پولُس در بخش نخست نامه، به بررسی رابطه خود با کلیسای قُرنتُس می‌پردازد و توضیح می‌دهد که چرا به اهانت مخالفان خود در کلیسا و ادعاهای آنها به شدّت پاسخ داده است. سپس با شادی بیان می‌کند که لحن تندش به توبه و آشتی انجامیده است. پس از آن، از کلیسا می‌خواهد هدیه‌ای سخاوتمندانه برای مسیحیان نیازمند یهودیه آماده کنند. در فصلهای پایانی، پولُس به دفاع از رسالت خود در برابر اشخاصی می‌پردازد که در قُرنتُس در لباس رسولان واقعی ظاهر شده بودند. همینها بودند که رسالت پولُس را مورد تردید قرار می‌دادند. یکی از جنبه‌های مهم این رساله آن است که از لابه‌لای گفته‌های پولُس و درد دل‌های او، به خصوصیات شخصیت او پی می‌بریم و صداقت و خلوص یّت او را، چه در زندگی شخصی و چه در خدمت به مسیح، مشاهده می‌کنیم.

تقسیمبندی کلی

- ۱- مقدمه (۱:۱-۱۱)
- ۲- پولُس و کلیسای قُرنتُس (۱:۱۲ تا ۷:۱۶)
- ۳- هدیه برای مسیحیان یهودیه (۸:۱ تا ۹:۱۵)
- ۴- دفاع پولُس از اقتدارش به عنوان رسول (۱۰:۱ تا ۱۳:۱۰)
- ۵- بخش پایانی (۱۱:۱۳-۱۳)

نامهٔ دوّم پوئس رسول به قُرنتیان

از پوئس که به خواست خدا رسول عیسی مسیح است، و برادر ما تیموتائوس،

به کلیسای خدا در قُرنتس، و همهٔ مقدّسان در سراسر ایالت آخائیه:

فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح، بر شما باد!

خدای بخشندهٔ همه دلگرمیها

۳ سپاس بر خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح،* که پدر رحمتها و خدای بخشندهٔ همهٔ دلگرمیهاست؛^۴ که به ما در همهٔ سختیهایمان دلگرمی می‌بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختیها می‌گذرند، دلگرم سازیم.^۵ زیرا همان‌گونه که از رنجهای مسیح به فراوانی نصیب می‌یابیم، به همان میزان نیز به واسطهٔ مسیح از دلگرمی فراوان لبریز می‌شویم.^۶ اگر در سختی هستیم، به خاطر دلگرمی و نجات شماست؛ و اگر دلگرمیم، باز برای دلگرمی شماست، که چنین کارگر می‌افتد که شما همان رنجها را که ما می‌کشیم، با بردباری تحمل می‌کنید.^۷ امید ما دربارهٔ شما استوار است، زیرا می‌دانیم همان‌گونه که در رنجهای ما سهیم هستید، در دلگرمی ما نیز سهیم می‌باشید.

۸ ای برادران، نمی‌خواهیم از سختیهایی که در ایالت آسیا بر ما گذشت، بی‌خبر باشید. فشارهایی که بر ما آمد چنان سخت و توانفرسا بود که از زنده‌ماندن هم نومید گشتیم.^۹ بواقع احساس می‌کردیم حکم مرگمان صادر شده است. اما

اینها همه روی داد تا نه بر خود، بلکه بر خدایی توکل کنیم که مردگان را زنده می‌کند.^{۱۰} او ما را از چنین خطر مهلکی رهانید و باز خواهد رهانید. بر اوست که ما امید بسته‌ایم که همچنان ما را خواهد رهانید،^{۱۱} بخصوص چون شما نیز با دعای خود یاری‌مان دهید. آنگاه بسیار کسان، برای فیضی که در جواب دعای بسیاری به ما بخشیده شده است، از جانب ما شکر خواهند گزارد.

سبب تغییر در برنامه سفر پولس

^{۱۲} فخر ما، گواهی وجدان ماست بدین که رفتارمان در دنیا و بخصوص نسبت به شما، با قدوسیت و صداقت خدایی همراه بوده است. ما نه با حکمت بشری،* بلکه بنا بر فیض خدا عمل کرده‌ایم.^{۱۳} زیرا آنچه به شما می‌نویسیم درست همان است که می‌خوانید و می‌فهمید. و من امید دارم^{۱۴} همان‌گونه که ما را تا حدی شناخته‌اید، به کمال نیز بشناسید، و بدانید که می‌توانید به ما فخر کنید، چنانکه شما نیز در روز خداوند عیسی، مایه فخر ما خواهید بود.

^{۱۵} با این اطمینان، بر آن شدم نخست به دیدار شما بیایم تا بهره‌ای دوچندان ببرید.^{۱۶} عزم من آن بود که بر سر راهم به مقدونیه از شما دیدار کنم و از مقدونیه دوباره نزدتان بازگردم تا مرا راهی سفر به یهودیه کنید.^{۱۷} آیا هنگامی که چنین تصمیمی می‌گرفتم، دودل بودم؟ و یا اینکه چون انسانهای معمولی تصمیم می‌گیرم، به گونه‌ای که سخنم همزمان «آری» و «نه» است؟

^{۱۸} به امانت خدا قسم که سخن ما با شما «آری» و «نه» نبوده است.^{۱۹} زیرا پسر خدا، عیسی مسیح، که من و سیلاس* و تیموتائوس به او در میان شما موعظه کردیم، «آری» و «نه» نبود، بلکه در او همه چیز «آری» است.^{۲۰} زیرا همه وعده‌های خدا در مسیح «آری» است و به همین جهت در اوست که ما «آمین» را

۱۲:۱ یا «نفسانی» یا «دنیوی».

۱۹:۱ در اصل یونانی: «سیلوانس»، که شکل دیگری از «سیلاس» است.

بر زبان می آوریم، تا خدا جلال یابد.^{۳۱} اما خداست که ما و شما را در پیوندمان با مسیح استوار می سازد. او ما را مسح کرده^{۳۲} و مهر مالکیت خویش را بر ما زده و روح خود را همچون بیعانه در دل‌های ما جای داده است.

۳۳ خدا را شاهد می گیرم که تنها به خاطر شفقت بر شما بود که به قرنتس بازنگشتم.^{۳۴} نه اینکه بر ایمان شما سروری کرده باشیم، بلکه دست در دست شما، برای شادمانی شما می کوشیم، چرا که در ایمان استوارید.^۱ پس، عزم جزم کردم که دیگر بار، دیداری اندوهبار با شما نداشته باشم.^۲ زیرا اگر شما را اندوهگین سازم، دیگر چه کسی می تواند موجب شادی من شود، جز شما که اندوهگینتان ساخته‌ام؟^۳ من بدان گونه به شما نوشتم تا به هنگام آمدنم نزد شما، آنان که می باید مرا شادمان سازند، مایه اندوهم نشوند. چرا که به همه شما اطمینان داشتم که شادی من مایه شادی همه شماست.^۴ زیرا با غم بسیار و دلی دردمند و چشمانی اشکبار به شما نوشتم، نه تا اندوهگینتان سازم، بلکه تا از عمق محبتم به خود آگاه شوید.

بخشایش برای شخص خطاکار

۵ اما اگر کسی باعث اندوه شده، نه تنها مرا، بلکه تا حدی همه شما را اندوهگین ساخته است - نمی خواهم در این باره سخن به گزاف گفته باشم.^۶ تنبیهی که از سوی بیشتر شما بر او اعمال شده، کافی است.^۷ اکنون دیگر باید او را ببخشید و دلداری دهید، مبادا اندوه بیش از حد، وی را از پا در آورد.^۸ بنابراین، از شما استدعا دارم او را از محبت خود مطمئن سازید.^۹ سبب نوشتنم به شما نیز این بود که شما را بیازمایم و ببینم آیا در هر امری فرمانبردار هستید یا نه؟^{۱۰} اگر شما کسی را ببخشید، من نیز او را می بخشم. و اگر کسی را بخشیده‌ام - البته اگر موردی برای بخشیدن وجود داشته است - در حضور مسیح و به خاطر شما چنین کرده‌ام،^{۱۱} تا شیطان بر ما برتری نیابد، زیرا از ترفندهای او بی خبر نیستیم.

خدمتگزاران عهد جدید

^{۱۲} پس چون برای بشارت انجیل مسیح به تروآس رفتم، دریافتم که خداوند در آنجا دری بزرگ به روی من گشوده است. ^{۱۳} اما باز آرام نداشتم زیرا برادر خود تیتوس را نیافتم. پس با اهالی آنجا وداع کرده، به مقدونیه رفتم. ^{۱۴} اما خدا را سپاس که همواره ما را در مسیح، در موکب ظفر خود می‌برد و رایحه خوش شناخت او را به وسیله ما در همه جا می‌پراکند. ^{۱۵} زیرا برای خدا رایحه خوش مسیح هستیم، چه در میان نجات‌یافتگان و چه در میان هلاک‌شوندگان. ^{۱۶} اما برای یکی بوی مرگ می‌دهیم که به مرگ رهنمون می‌شود؛ برای دیگری عطر حیاتیم که حیات به بار می‌آورد. و کیست که برای چنین کاری کفایت داشته باشد؟ ^{۱۷} برخلاف بسیاری که برای سودجویی به ارزانفروشی کلام خدا مشغولند، ما در مسیح با خلوص نیت سخن می‌گوییم، همچون کسانی که سخنگوی خداوند و در حضور او می‌ایستند.

۳ آیا بار دیگر شروع به توصیه درباره خود می‌کنیم؟ یا مانند بعضی، نیاز به ارائه توصیه‌نامه به شما یا گرفتن توصیه‌نامه از شما داریم؟ ^۲ شما خود توصیه‌نامه مایید، نامه‌ای نگاشته بر دل‌های ما که همگان می‌توانند آن را بخوانند و بفهمند. ^۳ شما نشان داده‌اید که نامه مسیح هستید، ثمره خدمت ما، و نگاشته نه با مرکب، بلکه با روح خدای زنده، و نه بر لوح سنگی، بلکه بر لوح دل‌های گوشتین. ^۴ ما چنین اطمینانی به واسطه مسیح در حضور خدا داریم. ^۵ نه آنکه خود کفایت داشته باشیم تا چیزی را به حساب خود بگذاریم، بلکه کفایت ما از خداست. ^۶ او ما را کفایت بخشیده که خدمتگزاران عهد جدید باشیم - خادم روح، نه خادم آنچه نوشته‌ای بیش نیست. زیرا «نوشته»* می‌گشود، لیکن روح حیات می‌بخشد.

جلال عهد جدید

حال، اگر خدمتی که به مرگ می‌انجامید و بر حروف حک شده بر سنگ استوار بود، با جلال به ظهور رسید، به گونه‌ای که بنی اسرائیل نمی‌توانستند به سبب جلالِ چهرهٔ موسی بر آن چشم بدوزند، هرچند آن جلال رو به زوال بود،^۸ چقدر بیشتر، خدمتی که به واسطهٔ روح است با جلال خواهد بود.^۹ زیرا اگر خدمتی که به محکومیت می‌انجامید با جلال بود، چقدر بیشتر خدمتی که به پارساشمردگی می‌انجامد آکنده از جلال است.^{۱۰} زیرا آنچه زمانی پر جلال بود، اکنون در قیاس با این جلالِ برتر، دیگر جلوه‌ای ندارد.^{۱۱} و اگر آنچه زوال می‌پذیرفت با جلال همراه بود، چقدر بیشتر آنچه باقی می‌ماند با جلال همراه است.

^{۱۲} پس چون چنین امیدی داریم، با شهامتِ کامل سخن می‌گوییم؛^{۱۳} نه مانند موسی که حجابی بر چهرهٔ خود کشید تا بنی اسرائیل غایت* آنچه را که رو به زوال بود، نظاره نکنند.^{۱۴} اما ذهنهای ایشان تاریک شد زیرا تا به امروز همان حجاب به هنگام خواندن عهد عتیق باقی است و برداشته نشده، زیرا تنها در مسیح زایل می‌شود.^{۱۵} حتی تا به امروز، هرگاه موسی را می‌خوانند، حجابی بر دل آنها برقرار می‌ماند؛^{۱۶} اما هرگاه کسی* نزد خداوند بازمی‌گردد، حجاب برداشته می‌شود.^{۱۷} خداوند، روح است و هر جا روح خداوند باشد، آنجا آزادی است.^{۱۸} و همهٔ ما که با چهرهٔ بی‌حجاب، جلال خداوند را، چنان که در آینه‌ای، می‌نگریم،* به صورت همان تصویر، از جلال

۳: ۱۳ یا «تمام شدن».

۳: ۱۶ در اصل یونانی کلمهٔ «کسی» وجود ندارد و فعل «بازگشتن» می‌تواند به «موسی» و یا به «دل» قوم اسرائیل در آیهٔ ۱۴ برگردد. برخی نیز این فعل را که در اصل مفرد است، به صورت جمع ترجمه می‌کنند: «اما هرگاه نزد خداوند بازمی‌گردند».

۳: ۱۸ یا «منعکس می‌کنیم».

به جلالی فزونتر دگرگون می شویم؛ و این از خداوند سرچشمه می گیرد که روح است.

گنجینه‌هایی در ظروف خاکی


۴ پس چون در نتیجه رحمتی که بر ما شده است از چنین خدمتی برخورداریم، دلسرد نمی شویم.^۲ بلکه از روشهای پنهانی و ننگین دوری جسته‌ایم و به فریبکاری دست نمی‌یازیم و کلام خدا را نیز تحریف نمی‌کنیم، بلکه به عکس، با بیان آشکار حقیقت، می‌کوشیم در حضور خدا مورد تأیید وجدان همه باشیم.^۳ حتی اگر انجیل ما پوشیده است، بر کسانی پوشیده است که در طریق هلاکتند.^۴ خدای این عصر ذهنهای بی‌ایمانان را کور کرده تا نور انجیل جلال مسیح را که تصویر خداست، نبینند.^۵ زیرا ما خود را موعظه نمی‌کنیم، بلکه عیسی مسیح را به عنوان خداوند موعظه می‌کنیم، و از خود تنها به خاطر عیسی، و آن هم فقط به عنوان خادم شما سخن می‌گوییم.^۶ زیرا همان خدا که گفت: «نور از میان تاریکی بتابد»، نور خود را در دل‌های ما تابانید تا شناخت جلال خدا در چهره مسیح، ما را منور سازد.

^۷ اما این گنجینه را در ظرفی خاکی داریم، تا آشکار باشد که این قدرت خارق‌العاده از خداست نه از ما.^۸ ما از هر سو در فشاریم، اما خرد نشده‌ایم؛ متحیریم، اما نومید نیستیم؛^۹ آزار می‌بینیم، اما وانهاده نشده‌ایم؛ بر زمین افکنده شده‌ایم، اما از پا در نیامده‌ایم.^{۱۰} همواره مرگ عیسی را در بدن خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی نیز در بدن ما ظاهر شود.^{۱۱} زیرا ما که زنده‌ایم، همواره به خاطر عیسی به مرگ سپرده می‌شویم تا حیات او در بدن فانی ما آشکار گردد.^{۱۲} پس مرگ در ما عمل می‌کند، اما حیات در شما.

^{۱۳} در کتب مقدّس آمده که «ایمان آوردم، پس سخن گفتم.» با همین روح ایمان، ما نیز ایمان داریم و سخن می‌گوییم.^{۱۴} زیرا می‌دانیم او که عیسی خداوند را از مردگان برخیزانید، ما را نیز با عیسی برخیزانیده، با شما به حضور او خواهد آورد.^{۱۵} اینها همه به خاطر شماست، تا فیضی که شامل حال عدّه بیشتر و بیشتری می‌شود، سبب شکرگزاری هرچه بیشتر برای جلال خدا گردد.

^{۱۶} پس دل‌سرد نمی‌شویم. هر چند انسانِ ظاهری ما فرسوده می‌شود، انسانِ باطنی روز به روز تازه‌تر می‌گردد.^{۱۷} زیرا رنجهای جزئی و گذرای ما جلالی ابدی برایمان به ارمغان می‌آورد که با آن رنجها قیاس‌پذیر نیست.^{۱۸} پس نه بر آنچه دیدنی است، بلکه بر آنچه نادیدنی است چشم می‌دوزیم، زیرا دیدنیها گذرا، اما نادیدنیها جاودانی است.

مسکن آسمانی ما

اینک می‌دانیم هرگاه این خیمهٔ زمینی که در آن سکونت داریم فرو ریزد، عمارتی از خدا داریم، خانه‌ای ناساخته به دست و جاودانه در آسمان.  ^۲ و برآستی که در این خیمه آه می‌کشیم، زیرا مشتاق آنیم که مسکن آسمانی خود را در بر کنیم،^۳ چرا که با در بر کردنش، عریان یافت نخواهیم شد.^۴ زیرا تا زمانی که در این خیمه هستیم با گرانباری آه می‌کشیم، چون نمی‌خواهیم جامه از تن به در کنیم، بلکه جامه‌ای دیگر به تن کنیم، تا فانی غرق حیات شود.^۵ و خداست که ما را برای این مقصود آماده کرده و روح را همچون بیعانه به ما داده است.

^۶ پس همواره دلگرمیم، هر چند می‌دانیم تا زمانی که در این بدن منزل داریم، از خداوند غریبیم،^۷ زیرا با ایمان زندگی می‌کنیم، نه با دیدار.^۸ آری، ما چنین دلگرمیم و ترجیح می‌دهیم از بدن غربت‌جسته، نزد خداوند منزل گیریم.^۹ پس

خواه در بدن منزل داشته باشیم و خواه در غربت از آن به سر بریم، این را هدف قرار داده‌ایم که او را خشنود سازیم.^{۱۰} زیرا همه ما باید در برابر مسند داوری مسیح حاضر شویم، تا هر کس بنا بر اعمال خوب یا بدی که در ایام سکونت در بدن خود کرده است، سزا یابد.

خدمت آشتی

^{۱۱} پس چون معنی ترس خداوند را می‌دانیم، می‌کوشیم مردمان را مجاب کنیم. آنچه هستیم بر خدا آشکار است و امیدوارم بر وجدان شما نیز آشکار باشد.^{۱۲} نمی‌خواهیم باز شروع به توصیه درباره خود کنیم، بلکه می‌خواهیم حجتی به شما بدهیم که به ما فخر کنید، تا بتوانید پاسخ کسانی را بدهید که به ظاهر فخر می‌کنند، نه به آنچه در قلب است.^{۱۳} اگر عقل از کف داده‌ایم، به خاطر خداست؛ و اگر عقل سلیم داریم، به خاطر شماست.^{۱۴} زیرا محبت مسیح بر ما حکمفرماست، چون یقین داریم که یک تن به خاطر همه مرد، پس همه مردند.^{۱۵} و به خاطر همه مرد تا زندگان دیگر نه برای خود، بلکه برای آن کس زیست کنند که به خاطرشان مرد و برخاست.

^{۱۶} بنابراین، از این پس درباره هیچ کس با معیارهای بشری* قضاوت نمی‌کنیم، و هر چند پیشتر درباره مسیح این گونه قضاوت می‌کردیم، اکنون دیگر چنین نیست.^{۱۷} پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است!^{۱۸} اینها همه از خداست که به واسطه مسیح ما را با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است.^{۱۹} به دیگر سخن، خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می‌داد* و گناهان مردم را به حسابشان نمی‌گذاشت، و پیام آشتی را به ما سپرد.^{۲۰} پس سفیران

۱۶:۵ یا: «معیارهای این دنیا».

۱۹:۵ یا: «خدا در مسیح بود و جهان را با خود آشتی می‌داد».

مسیح هستیم، به گونه‌ای که خدا از زبان ما شما را به آشتی می‌خواند. ما از جانب مسیح از شما استدعا می‌کنیم که با خدا آشتی کنید.^۱ او کسی را که گناه را نشناخت، در راه ما گناه ساخت،* تا ما در وی پارسایی خدا شویم.

در مقام همکاران خدا، از شما استدعا داریم که فیض خدا را بیهوده نیافته باشید.^۲ زیرا خدا می‌گوید:

«در زمان لطف خود، تو را اجابت کردم

و در روز نجات، تو را مدد نمودم.»

هان، اکنون زمان لطف خداست؛ هان، امروز روز نجات است.

مشقات پولس

ما در هیچ چیز سبب لغزش کسی نمی‌شویم، تا خدمت‌مان ملامت کرده نشود،^۳ بلکه در هر چیز شایستگی خود را نشان می‌دهیم، آن‌گونه که از خادمان خدا انتظار می‌رود: با بردباری بسیار در زحمات، در سختیها، در تنگناها،^۴ در تازیانها، در زندانها، در هجوم خشمگین مردم، در کار سخت، در بی‌خوابی، و در گرسنگی؛^۵ با پاکی، با معرفت، با صبر، با مهربانی، با روح‌القدس، با محبت بی‌ریا،^۶ با راستگویی، با قدرت خدا، با اسلحهٔ پارسایی به دست راست و چپ؛^۷ در عزت و ذلت، و بدنامی و نیکنامی. گویی گمراه‌کننده، اما حقیقت را می‌گوییم؛^۸ گویی گمنام، اما شناخته شده‌ایم؛ گویی در حال مرگ، اما هنوز زنده‌ایم؛ گویی دستخوش مجازات، اما از پا در نیامده‌ایم؛^۹ گویی غمگین، اما همواره شادمانیم؛ گویی فقیر، اما بسیاری را دولت‌مند می‌سازیم؛ گویی بی‌چیز، اما صاحب همه چیزیم.

۵: ۲۱ یا: «قربانی گناه ساخت».

۶: ۲ اِسْعِیا ۴۹: ۸.

۱۱ ای قُرنتیان، ما بی پرده با شما سخن گفتیم و دل خود را بر شما گشودیم.
 ۱۲ ما محبت خود را از شما دریغ نمی داریم. شما باید که مهر خود را از ما دریغ
 می کنید. ۱۳ با شما همچون فرزندانم سخن می گویم؛ شما نیز دل خود را بر
 ما بگشایید.

پرهیز از هم یوغ شدن با بی ایمانان

۱۴ زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مروید، زیرا پارسایی و شرارت را چه پیوندی
 است و نور و ظلمت را چه رفاقتی؟ ۱۵ مسیح و بلیعال* را چه توافقی است و
 مؤمن و بی ایمان را چه شباهتی؟ ۱۶ و معبد خدا و بتها را چه سازگاری است؟ زیرا
 ما معبد خدای زنده ایم. چنانکه خدا می گوید:

«بین آنها سکونت خواهم گزید

و در میانشان راه خواهم رفت،

و من خدای ایشان خواهم بود

و آنان قوم من خواهند بود.»

۱۷ پس، خداوند می گوید:

«از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید.

هیچ چیز ناپاک را لمس نکنید

و من شما را خواهم پذیرفت.»

۱۸ «من شما را پدر خواهم بود

و شما مرا پسران و دختران خواهید بود،

خداوندِ قادر مطلق می گوید.»

۱۵:۶ «بلیعال» یکی از نامهای شیطان است.

۱۷:۶ اِشْعِیَا ۵۲:۱۱ و حَزَقِیَال

۱۶:۶ لاویان ۲۶:۱۲؛ ارمیا ۳۲:۳۸؛ حَزَقِیَال ۳۷:۲۷.

۱۸:۶ دوم سموئیل ۷:۱۴ و ۸:۷.

پس ای عزیزان، حال که این وعده‌ها از آن ما است، بیایید خود را از هر ناپاکی جسم و روح بزداییم و با ترس از خدا، تقدس را به کمال رسانیم.

شادمانی پولس

ما را در دل خود جای دهید. در حق کسی بدی روا نداشته‌ایم، کسی را فاسد نساخته‌ایم و از کسی بهره‌جویی نکرده‌ایم.^۳ این را نمی‌گوییم تا محکومتان کنم. پیشتر به شما گفتم که چنان در دل ما جای دارید که آماده‌ایم با شما بمیریم و با شما زیست کنیم.^۴ من می‌توانم بی‌پرده با شما سخن بگویم، و به شما بسی فخر می‌کنم. بسیار دلگرم شده‌ام، و به رغم همه سختیها، شادی مرا حد و مرزی نیست.

زیرا هنگامی که به مقدونیه رسیدیم، این تن ما آسایش نیافت، بلکه از هر سو در زحمت بودیم - در برون جدالها داشتیم، و در درون ترسها.^۶ اما خدایی که افسردگان را دلگرمی می‌بخشد، با آمدن تیتوس ما را دلگرم ساخت.^۷ و ما نه تنها از آمدن او، بلکه به واسطه آن دلگرمی که از شما یافته بود، دلگرم شدیم. او از اشتیاق شما به دیدار من، و اندوه عمیق‌تان، و غیرتی که نسبت به من دارید، خبر آورد، که این بیش از پیش مرا شادمان ساخت.

زیرا هر چند با نامه خود اندوهگینتان ساختم، از کرده خود پشیمان نیستم.^۸ زیرا با آنکه تا حدی پشیمان بودم - چون می‌بینم نامه‌ام هر چند کوتاه زمانی، شما را اندوهگین ساخت -^۹ اما اکنون شادمانم، نه از آن رو که اندوهگین شدید، بلکه چون اندوهتان به توبه انجامید. زیرا اندوه شما برای خدا بود، تا هیچ زبانی از ما به شما نرسد.^{۱۰} چون اندوهی که برای خدا باشد، موجب توبه می‌شود، که به نجات می‌انجامد و پشیمانی ندارد. اما اندوهی که برای دنیاست، مرگ به بار می‌آورد.^{۱۱} ببینید اندوهی که برای خدا بود چه ثمراتی در شما پدید آورده است: چه شور و شوقی، چه اشتیاقی به اثبات بی‌گناهی‌تان، چه نارضایی و احساس خطری، چه

دلتنگی، غیرت و مجازاتی. شما از هر حیث ثابت کردید که در آن قضیه بی تقصیر بوده‌اید.^{۱۲} پس نامه من به شما به خاطر آن کس که بدی کرده و یا آن که به او بدی شده نبوده است، بلکه بدین منظور بوده که در حضور خدا ارادت شما به ما، بر خودتان آشکار شود.^{۱۳} اینها همه موجب دلگرمی ما شده است.

افزون بر دلگرمی خود ما، دیدن شادی تیتوس نیز موجب شادی هر چه بیشتر ما شد، زیرا همگی شما جان او را تازه ساخته بودید.^{۱۴} من نزد او به شما فخر کردم و شما مرا سرافکننده نساختمید، بلکه همان‌گونه که هر آنچه به شما گفتیم درست بود، ثابت شد که فخر ما نزد تیتوس نیز بجا بوده است.^{۱۵} هر بار که او اطاعت همگی شما را به یاد می‌آورد و این را که چگونه با ترس و لرز او را پذیرفتید، دل بستگی اش به شما بیشتر می‌شود.^{۱۶} شادمانم که در هر چیز به شما اطمینان دارم.

گردآوری هدایا

اکنون ای برادران، می‌خواهیم شما را از فیضی که خدا به کلیساهای مقدونیه عطا کرده است، آگاه سازیم.^۱ زیرا در همان حال که ایشان به سبب زحماتی توانفرسا، در بوته آزمایش قرار داشتند، از شادی بی حد و فقر بسیارشان، سخاوتی بی‌کران جاری گشت.^۲ چرا که در حد توان خویش - و من شاهدم که حتی بیش از آن - خود پیشقدم شده،^۳ با اصرار زیاد از ما خواهش کردند که در این خدمت به مقدسان سهیم باشند.^۴ ایشان حتی بسیار بیش از انتظار ما عمل کردند، زیرا نخست خویشان را به خداوند تقدیم داشتند، و سپس به ما نیز، بر طبق اراده خدا.^۵ به همین جهت، از تیتوس خواستیم همان‌گونه که خود بیشتر قدمهای آغازین را در تدارک این عمل سخاوتمندانه شما برداشته بود، اکنون نیز آن را به کمال رساند.^۶ پس چنان‌که در همه چیز ممتازید - در ایمان، در بیان، در معرفت، در شور و حرارت بسیار، و در محبتتان به ما - پس در این فیض بخشندگی نیز گوی سبقت را براباید.

^۸ این را به شما حکم نمی‌کنم، بلکه می‌خواهم خلوص محبتتان را در قیاس با شور و حرارت دیگران بیازمایم.^۹ زیرا از فیض خداوند ما عیسی مسیح آگاہید که هر چند دولت‌مند بود، به خاطر شما فقیر شد تا شما در نتیجه فقر او دولت‌مند شوید.
^{۱۰} پس نظر خود را در این باره بیان می‌کنم، زیرا به سود شماست: سال گذشته، شما نه تنها در انجام این کار خیر، بلکه در اشتیاق به انجام آن نیز پیشقدم بودید.
^{۱۱} پس اکنون کار خود را به کمال رسانید، تا اشتیاقان به این کار، انجام کامل آن را نیز، به فراخور توان مالی‌تان، در پی داشته باشد.^{۱۲} زیرا اگر اشتیاق باشد، هدیه شخص مقبول می‌افتد، البته بر حسب آنچه کسی دارد، نه آنچه ندارد.
^{۱۳} زیرا خواست ما این نیست که دیگران در رفاه باشند و شما در فشار، بلکه خواهان برقراری مساواتیم،^{۱۴} تا غنای شما در حال حاضر، کمبود آنان را برطرف کند، و روزی نیز غنای آنها کمبود شما را برطرف خواهد کرد. بدین سان مساوات برقرار خواهد شد،^{۱۵} چنانکه نوشته شده است: «آن که زیاد گرد آورد، زیاد نداشت، و آن که کم گرد آورد، کم نداشت.»

گسیل داشتن تیتوس به قرنتس

^{۱۶} خدا را شکر می‌کنم که در دل تیتوس نیز نهاده است که همچون من به فکر شما باشد.^{۱۷} زیرا او نه تنها تقاضای ما را پذیرفت، بلکه خود با اشتیاق بسیار، برای آمدن نزد شما پیشقدم شد.^{۱۸} و ما همراه او برادری را می‌فرستیم که همه کلیساها او را به خاطر خدمتش به انجیل می‌ستایند.^{۱۹} بعلاوه، او از سوی کلیساها انتخاب شده تا در انجام این کار خیر که برای جلال خدا و نشان دادن خیرخواهی‌مان خدمت آن را بر عهده گرفته‌ایم، همسفر ما باشد.^{۲۰} ما بسیار مراقبیم که خدمت ما در گردآوری این هدیه سخاوتمندانه مورد انتقاد کسی قرار نگیرد.^{۲۱} زیرا می‌کوشیم نه تنها در نظر خداوند، بلکه در نظر مردم نیز آنچه صحیح است انجام دهیم.

۲۲ همراه این افراد، برادر خود را نیز می فرستیم که بارها اشتیاقش از راههای گوناگون بر ما ثابت شده، و اکنون اشتیاق او به خاطر اطمینان بسیارش به شما حتی افزونتر نیز گردیده است. ۲۳ درباره تیتوس باید بگویم که در خدمت به شما شریک و همکار من است؛ و درباره برادرانمان نیز باید بگویم که فرستادگان کلیساها و جلال مسیح‌اند. ۲۴ پس محبت خود را در عمل به آنها ثابت کنید و نشان دهید که فخر ما به شما بی اساس نیست، تا همه کلیساها ببینند.

۹ نیازی نیست درباره این خدمت به مقدّسان به شما بنویسم، ۲ زیرا از اشتیاقتان به یاری رساندن آگاهم و در این خصوص نزد ایمانداران مقدونیه به شما بالیده‌ام. بدیشان گفته‌ام که شما در ایالت آخائیه از سال گذشته برای دادن هدیه آماده بوده‌اید. این شور و حرارت شما بیشتر آنان را نیز به عمل برانگیخته است. ۳ اما این برادران را می فرستم تا فخر ما به شما در این خصوص اشتباه از کار درنیاید، بلکه تا همان گونه که به ایشان گفته‌ام، آمادگی لازم را داشته باشید. ۴ زیرا اگر کسی از ایمانداران مقدونیه همراهم بیاید و دریابد که آماده نیستید، ما - و چقدر بیشتر خودتان - از اطمینانی که به شما داشته‌ایم، سرافکنده خواهیم شد. ۵ پس ضروری دانستم از برادران بخوهم که پیشاپیش به دیدارتان بیایند و تدارک هدیه سخاوتمندانه‌ای را که وعده داده بودید، به اتمام رسانند. آنگاه این هدیه، هدیه‌ای خواهد بود که نه با تنگ‌چشمی، بلکه با گشاده‌دستی داده شده است.

تشویق به سخاوت در هدیه دادن

۶ به یاد داشته باشید که هر که اندک بکارد، اندک هم خواهد دروید، و هر که فراوان بکارد، فراوان هم بر خواهد داشت. ۷ هر کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده است، نه با اکراه و اجبار، زیرا خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد. ۸ و خدا قادر است هر نعمت را برای شما بس فزونی بخشد تا در همه چیز همواره همه نیازهایتان برآورده شود و برای انجام هر کار نیکو، به فراوانی داشته باشید. ۹ چنانکه نوشته شده:

«او سخاوتمندانه بخشیده و به فقرا داده است،

پارسایی اش باقی می ماند، تا به ابد.»

^{۱۰} و او که بذر را برای کشاورز و نان را برای خوردن فراهم می سازد، بذرتان را مهیا ساخته، فزونی خواهد بخشید و محصول پارسایی شما را فراوان خواهد ساخت. ^{۱۱} آنگاه از هر حیث دولتمند خواهید شد تا بتوانید در هر فرصتی سخاوتمند باشید، و این سخاوت شما به واسطه ما به سپاس خدا خواهد انجامید.

^{۱۲} انجام این خدمت، نه تنها نیازهای مقدّسان را برآورده می سازد، بلکه به صورت سپاسگزاریهایی بسیار حتی به سوی خدا سرریز می شود. ^{۱۳} و به خاطر مُهر تأییدی که این خدمت بر زندگی شما می زند، مردم خدا را برای اطاعتی که با اعتراف شما به انجیل مسیح همراه است، و نیز برای سخاوتی که در کمک به آنها و به همه نشان می دهید، تمجید خواهند کرد. ^{۱۴} آنان به خاطر فیض عظیمی که خدا نصیبان کرده، با علاقه و اشتیاق بسیار برای شما دعا خواهند کرد. ^{۱۵} سپاس بر خدا برای عطای وصف ناپذیرش!

دفاع پولس از خدمتش

۱۰ من، پولس، که در حضور شما «زبونم» اما به دور از شما «جسور»، با حلم و نرمش مسیح از شما استدعا دارم ^۲ که به هنگام آمدنم نزد شما ناگزیر نباشم با کسانی که می پندارند ما با میزانهای این دنیا* زندگی می کنیم، با جسارت بسیار عمل کنم. ^۳ زیرا هرچند در این دنیا به سر می بریم،* اما به روش دنیایی* نمی جنگیم. ^۴ چرا که اسلحه جنگ ما دنیایی نیست، بلکه به نیروی الهی قادر به انهدام دژهاست. ^۵ ما استدلالها و هر ادعای تکبرآمیز را که در برابر

۲:۱۰ یا «بشری».

۳:۱۰ یا: «هرچند بشریم».

۳:۱۰ یا «بشری»؛ همچنین در آیه ۴.

۹:۹ مزمور ۱۱۲:۹.

شناخت خدا قد علم کند ویران می‌کنیم و هر اندیشه‌ای را به اطاعت از مسیح اسیر می‌سازیم.^۶ و در حال آماده‌باش هستیم، تا آنگاه که اطاعت خود شما کامل شود، هر ناطاعتی را به مجازات رسانیم.

^۷ شما تنها به ظواهر می‌نگرید.* اگر کسی اطمینان دارد که از آن مسیح است، باید در نظر داشته باشد که ما نیز به همان اندازه از آن مسیحیم.^۸ زیرا سرافکننده نخواهم شد حتی اگر اندکی بیش از اندازه به اقتداری که خداوند نه برای ویرانی بلکه برای بنای شما به من داده است، فخر کنم.^۹ نمی‌خواهم چنین به نظر آید که می‌کوشم با نامه‌های خود شما را بترسانم،^{۱۰} زیرا بعضی می‌گویند: «نامه‌های او وزین و قوی است، اما حضورش ضعیف و بیانش رقت‌انگیز.»^{۱۱} آنان که چنین می‌گویند باید بدانند که هر آنچه در غیاب خود در نامه‌ها مان می‌گوییم، همان را به هنگام حضور، به عمل خواهیم آورد.

^{۱۲} ما جرأت نمی‌کنیم خود را از زمره کسانی بشماریم یا با کسانی قیاس کنیم که خودستایند. چه نابخردانه است که آنان درباره‌ی خویشتن با میزانهای خودشان قضاوت می‌کنند و خود را با خود می‌سنجند.^{۱۳} ولی ما نه بیش از حد مجاز، بلکه در حدودی فخر می‌کنیم که خدا برایمان معین کرده است، حدودی که شما را نیز در بر می‌گیرد.^{۱۴} ما از حدود خود پا فراتر نگذاشته‌ایم، چنانکه گویی هرگز نزد شما نیامده باشیم. زیرا نخستین کسانی بودیم که انجیل مسیح را به شما رساندیم.^{۱۵} ما با فخر کردن به آنچه دیگران کرده‌اند، از حدود خود تجاوز نمی‌کنیم. امید ما این است که هر چه ایمان شما بیشتر رشد می‌کند، دامنه‌ی فعالیت ما در میان شما نیز گسترده‌تر شود،^{۱۶} تا بتوانیم انجیل را در سرزمینهایی فراسوی شما بشارت دهیم. زیرا نمی‌خواهیم به کاری فخر کنیم که پیشتر، و آن هم در قلمرو شخصی دیگر انجام شده است.^{۱۷} پس «هر که فخر می‌کند، به خداوند فخر کند.»^{۱۸} زیرا نه آن

۷:۱۰ یا: «به آنچه در برابر چشمتان است، توجه کنید».

۱۷:۱۰ ارمیا ۹:۲۴.

که خودستایی کند، بلکه آن که خدا او را بستاید، پذیرفته می‌شود.

پولس و رسولان دروغین

۱۱ امیدوارم اندک حماقتی را در من تحمل کنید، و چنین نیز کرده‌اید! ^۲ من غیرتی خدایی نسبت به شما دارم، زیرا شما را به یک شوهر، یعنی مسیح، نامزد ساختم، تا همچون باکره‌ای پاکدامن به او تقدیمتان کنم. ^۳ اما بیم دارم همان‌گونه که حوا فریب حیلۀ مار را خورد، فکر شما نیز از سرسپردگی صادقانه و خالصی که به مسیح دارید، منحرف شود. ^۴ زیرا اگر کسی نزدتان بیاید و شما را به عیسای دیگری جز آن که ما به شما موعظه کردیم، موعظه کند، یا اگر روحی متفاوت با آن روح که دریافت کردید یا انجیلی غیر از آن انجیل که شنیدید به شما عرضه کند، به آسانی تحملش می‌کنید. ^۵ اما گمان نمی‌کنم من از آن «بزرگ رسولان» چیزی کم داشته باشم. ^۶ شاید سخنوری ماهر نباشم، اما در معرفت چیزی کم ندارم؛ این را به کمال و از هر حیث به شما ثابت کرده‌ام.

^۷ آیا گناه کردم که با بشارت رایگان انجیل خدا به شما، خود را پست ساختم تا شما سرافراز شوید؟ ^۸ من با پذیرفتن کمک مالی، کلیساهای دیگر را غارت کردم تا بتوانم شما را خدمت کنم. ^۹ و در مدت اقامت بین شما، هرگاه به چیزی نیاز داشتم، باری بر دوش کسی ننهادم، زیرا برادرانی که از مقدونیه آمدند احتیاجات مرا برآوردند. و من به هیچ روی باری بر دوستان نبوده‌ام و از این پس نیز نخواهم بود. ^{۱۰} به آن راستی مسیح که در من است قسم، که هیچ‌کس در نواحی آخائیه این فخر مرا از من نخواهد گرفت. ^{۱۱} آیا از آن رو چنین می‌گویم که دوستان ندارم؟ خدا می‌داند که دوستان دارم! ^{۱۲} و این رویۀ خود را ادامه خواهم داد تا فرصت را از فرصت‌طلبان بازستانم، از آنان که در صددند تا خود را در آنچه بدان فخر می‌کنند با ما برابر سازند.

^{۱۳} زیرا چنین کسان، رسولان دروغین و کارگزارانی فریبکارند که خود را در سیمای رسولان مسیح ظاهر می‌سازند. ^{۱۴} و این عجیب نیست، زیرا شیطان نیز

خود را به شکل فرشته نور درمی آورد؛^{۱۵} پس تعجبی ندارد که خادمانش نیز خود را به خادمان طریق پارسایی همانند سازند. سرانجام اینان فراخور کارهایشان خواهد بود.

فخر پولس به رنجهای خود

^{۱۶} باز می گویم: کسی مرا بی فهم نپندارد. اما اگر چنین می کنید، دست کم مرا چون شخصی بی فهم پذیرید، تا بتوانم اندکی فخر کنم. ^{۱۷} وقتی اینچنین با اطمینان از فخر خود می گویم، نه از جانب خداوند، بلکه از سر بی فهمی است. ^{۱۸} از آنجا که بسیاری به طریق دنیایی فخر می کنند، من نیز فخر خواهم کرد. ^{۱۹} زیرا شما بی فهمان را شادمانه تحمل می کنید، چرا که خود البته بس فهم هستید! ^{۲۰} حقیقت این است که شما حتی کسانی را که شما را بنده خود می سازند، یا از شما بهره می کشند، یا شما را مورد سوءاستفاده قرار می دهند، یا بر شما ریاست می کنند، یا به صورتتان سیلی می زنند، بخوبی تحمل می کنید. ^{۲۱} با کمال شرمندگی باید اقرار کنم که ما ضعیفتر از آن بوده ایم که قادر به چنین کارهایی باشیم!

اگر کسی به خود اجازه می دهد به چیزی فخر کند - باز هم همچون بی فهمان سخن می گویم - من نیز به خود اجازه می دهم به آن فخر کنم. ^{۲۲} آیا عبرانی اند؟ من نیز هستم! آیا اسرائیلی اند؟ من نیز هستم! آیا از نسل ابراهیم اند؟ من نیز هستم! ^{۲۳} آیا خادم مسیح اند؟ چون دیوانگان سخن می گویم - من بیشتر هستم! از همه سخت تر کار کرده ام، به دفعات بیشتر به زندان افتاده ام، بیش از همه تازیانه خورده ام، بارها و بارها با خطر مرگ روبه رو شده ام. ^{۲۴} پنج بار از یهودیان، سی و نه ضربه شلاق خوردم. ^{۲۵} سه بار چوبم زدند، یک بار سنگسار شدم، سه بار کشتی سفرم غرق شد، یک شبانه روز را در دریا سپری کردم. ^{۲۶} همواره در سفر بوده ام و خطر از هر سو تهدیدم کرده است: خطر گذر از رودخانه ها، خطر راهزنان؛ خطر از سوی قوم خود، خطر از سوی اجنبیان؛ خطر در شهر، خطر در بیابان، خطر در دریا؛ خطر از سوی برادران دروغین. ^{۲۷} سخت کار کرده و محنت کشیده ام، بارها

بی‌خوابی بر خود هموار کرده‌ام؛ گرسنگی و تشنگی را تحمل کرده‌ام، بارها بی‌غذا مانده‌ام و سرما و عریانی به خود دیده‌ام.^{۲۸} افزون بر همه اینها، بار نگرانی برای همه کلیساهاست که هر روزه بر دوشم سنگینی می‌کند.^{۲۹} کیست که ضعیف شود و من ضعیف نشوم؟ کیست که بلغزد و من نسوزم؟

^{۳۰} اگر می‌باید فخر کنم، به چیزهایی فخر خواهم کرد که ضعف مرا نشان می‌دهد.^{۳۱} خدا، پدر خداوند عیسی، که او را جاودانه سپاس باد، می‌داند که دروغ نمی‌گویم.^{۳۲} در دمشق، حاکم منصوب شاه حارث، نگهبانانی بر شهر گماشت تا گرفتارم کنند.^{۳۳} اما مرا در زنبیلی، از پنجره‌ای که بر حصار شهر بود، پایین فرستادند و این‌گونه از چنگش گریختم.

رؤیاهای پولس و خار جسم او

۱۲ می‌باید که فخر کنم؛ هر چند سودی از آن حاصل نمی‌شود، ادامه می‌دهم و به رؤیاهای و مکاشفات خداوند می‌پردازم.^۲ شخصی را که در مسیح است، می‌شناسم که چهارده سال پیش به آسمان سوّم رفته شد. نمی‌دانم با بدن به آسمان رفت یا بیرون از بدن، خدا می‌داند.^۳ و می‌دانم که به فردوش بالا برده شد - با بدن یا بیرون از بدن، خدا می‌داند -^۴ و چیزهای وصف‌ناشدنی شنید، که سخن گفتن از آنها بر انسان جایز نیست.^۵ من به چنین شخصی فخر می‌کنم. اما درباره خود، جز به ضعفهایم فخر نخواهم کرد.^۶ حتی اگر بخواهم فخر کنم، بی‌فهم نخواهم بود، زیرا حقیقت را بیان می‌کنم. اما از این کار می‌پرهیزم تا کسی مرا چیزی بیش از آنچه در من می‌بیند و از من می‌شنود، نپندارد.

^۷ اما برای اینکه عظمت بی‌اندازه این مکاشفات مغرورم نسازد، خاری در جسمم به من داده شد، یعنی عامل شیطان، تا آزارم دهد و مرا از غرور بازدارد.^۸ سه بار از خداوند تمنا کردم آن را از من برگیرد،^۹ اما مرا گفت: «فیض من تو را کافی است، زیرا قدرت من در ضعف به کمال می‌رسد.» پس با شادی هرچه بیشتر به ضعفهایم فخر خواهم کرد تا قدرت مسیح بر من قرار گیرد.^{۱۰} از همین

رو، در ضعفها، دشنامها، سختیها، آزارها و مشکلات، به خاطر مسیح شادمانم، زیرا وقتی ناتوانم، آنگاه توانایم.

نگرانی پولس برای قُرنتیان

۱۱ همچون بی فهمان رفتار کرده‌ام! شما ناگزیرم کردید. می بایست مورد ستایشتان باشم، چرا که هر چند هیچم، اما از آن «بزرگ رسولان» چیزی کم ندارم. ۱۲ نشانه‌های رسالت، در نهایت بردباری در میان شما به ظهور رسید، با آیات و عجایب و معجزات. ۱۳ در قیاس با سایر کلیساها، چه اجحافی در حق شما شد، جز اینکه هرگز باری بر دوشتان نبوده‌ام؟ برای این بدی که در حق شما کردم، مرا ببخشید!

۱۴ اکنون آماده‌ام برای بار سوّم به دیدارتان بیایم، و باری بر دوشتان نخواهم بود. زیرا نه اموال شما، بلکه خودتان را می خواهم. چرا که فرزندان نیستند که باید برای والدین خود بیندوزند، بلکه والدین برای فرزندان خود می اندوزند. ۱۵ پس من با شادی بسیار هرچه دارم در راه جانهای شما خرج خواهم کرد و حتی جان خود را نیز دریغ نخواهم داشت. اگر من شما را بیشتر دوست می دارم، آیا شما باید مرا کمتر دوست بدارید؟

۱۶ اما حتی اگر بپذیرید که خود بر دوش شما باری نبوده‌ام، لابد می گوئید چون شخصی مگّار هستم، باید به نحوی از شما بهره برداری کرده باشم. ۱۷ آیا به واسطه آنان که نزدتان فرستادم از شما سوءاستفاده کردم؟ ۱۸ من تیتوس را بر آن داشتم که نزد شما بیاید و برادرمان را نیز همراهش فرستادم. آیا تیتوس از شما سوءاستفاده کرد؟ آیا ما نیز به همین شیوه رفتار نکردیم و همین رویه را در پیش نگرفتیم؟

۱۹ آیا تا اینجا بر این تصور بوده‌اید که می‌کوشیم در برابر شما از خود دفاع کنیم؟ ما در حضور خدا و همچون کسانی سخن می‌گوییم که در مسیح‌اند، و هرآنچه می‌کنیم، ای عزیزان، برای بنای شماست. ۲۰ زیرا بیم آن دارم که نزدتان

بیایم و شما را آن گونه که انتظار دارم، نبینم، و شما نیز مرا چنان که انتظار دارید، نبینید. بیم آن دارم که در میان شما جدال، حسد، خشم، خودخواهی، افترا، غیبت، غرور و بی نظمی بینم.^{۱۱} و نیز بیم آن دارم که چون نزد شما آییم، خدا بار دیگر مرا در حضور شما فروتن سازد و من به خاطر برخی که در گذشته گناه کرده و از ناپاکی، بی عفتی و عیاشی خود توبه نکرده‌اند، اندوهگین شوم.

آخرین هشدارها

این سومین بار است که به دیدارتان می‌آیم. «هر سخنی با گواهی دو یا سه شاهد ثابت خواهد شد.»^۲ من در دیدار دوم خود، کسانی را که در گذشته مرتکب گناه شده بودند، و نیز هر کس دیگر را هشدار دادم و اکنون نیز در غیاب خود باز هشدار می‌دهم که وقتی نزدتان بیایم، بر کسی آسان نخواهم گرفت.^۳ زیرا شما حجت می‌خواهید بر اینکه مسیح در من سخن می‌گوید. او در قبال شما ضعیف نیست، بلکه در میان شما تواناست.^۴ زیرا هر چند در ضعف بر صلیب شد، اما به قدرت خدا زیست می‌کند. به همین سان، ما نیز در او ضعیفیم، اما با او در قبال شما به قدرت خدا زیست خواهیم کرد.

^۵ خود را بیازمایید تا ببینید آیا در ایمان هستید یا نه. خود را محک بزنید. آیا در نمی‌یابید که عیسی مسیح در شماست؟ مگر آنکه در این آزمایش مردود بشوید! ^۶ و امیدوارم پی ببرید که ما مردود نشده‌ایم. ^۷ دعای ما به درگاه خدا این است که مرتکب خطایی نشوید؛ نه تا معلوم شود که ما از آزمایش سرفراز بیرون آمده‌ایم، بلکه تا شما آنچه را که درست است، انجام دهید، حتی اگر به نظر آید که ما مردود شده‌ایم. ^۸ زیرا نمی‌توانیم هیچ عملی برخلاف حقیقت انجام دهیم، بلکه هر آنچه می‌کنیم برای حقیقت است. ^۹ زیرا هرگاه ما ضعیف باشیم و شما قوی، موجب شادیمان خواهد بود، و دعای ما این است که شما احیا شوید. ^{۱۰} به همین خاطر،

در غیابم این مطالب را به شما می نویسم تا وقتی نزدتان آمدم، مجبور نباشم از اقتدار خود با شدت عمل استفاده کنم، اقتداری که خداوند نه برای ویران کردن، بلکه برای بنا به من داده است.

خاتمه

۱۱ در خاتمه، ای برادران، شاد باشید؛* احیا شوید؛* پند گیرید؛* هم‌رأی باشید؛ و در صلح و صفا زندگی کنید، که خدای محبت و صلح و صفا با شما خواهد بود.

۱۲ یکدیگر را به بوسه‌ای مقدّس سلام گویند. ۱۳ همهٔ مقدّسان، شما را سلام می‌فرستند.

۱۴ فیض خداوند عیسی مسیح، محبت خدا و رفاقت* روح‌القدس* با همهٔ شما باد.

۱۱:۱۳ یا: «شما را به خدا می‌سپارم».

۱۱:۱۳ یا: «در جهت احیا و تجدید قوای خود بکوشید».

۱۱:۱۳ یا: «یکدیگر را تشویق کنید».

۱۴:۱۳ اصل یونانی این کلمه حاوی مفاهیم «مصاحبت» و «مشارکت» نیز هست.

۱۴:۱۳ یا «در روح‌القدس».